

«روز بلوا» فیلمی اعتراضی است، اما نه در سطح حرف های مسافران تاکسی و اتوبوس تنزل کرده و نه اعتراض هایی خشن را مطرح ساخته است



پاسخی به پرسش های انقلاب

درباره فیلم «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعبی

نوشته محمدرضا زائری



جبران و تغییر رسانه است. از آبروی خود می گذرد، روابط خود را فدا می کند، برای یافتن حق برمی خیزد و آن وقت او را در نمایی که از میان نگاه های بدبینانه دانشجویان دانشگاه می گذرد همان طور می بینیم که از میان شتران داخل کارخانه متروک می گذشت. گویی تصویری هنرمندانه از حدیثی تماشا می کنیم که در وصف اهل معرفت و حقیقت می گوید: آنان در مقام بندگی خدا و اطاعت امر الهی و پاس داشتن حق با حرف و موضع مردم کاری ندارند و گویی بر گله ای از شتران می گذرند. اما همینان وقتی خود را با مردم مقایسه می کنند خویشتن را از همه پایین تر و ناچیزتر می شمارند. وقتی روحانی فیلم در کمال ناباوری می فهمد بی آن که بخواهد در وسط منجلابی از فساد مالی و پولشویی و رشوه و زدبندهای سیاسی و اقتصادی پشت پرده گرفتار شده است مردانه برای تحول آفرینی و دگرگونی برمی خیزد و گرچه با انواع فشارها و تهدیدها حتی با حمله اوباش و مجروح شدن و حتی با تهمت های ناموسی و اخلاقی روبه رو می شود اما از راه خود بر نمی گردد. برای او رسیدن به حق و اعاده اموال مردم و جبران خسارت حق الناس بیش از هر چیزی اهمیت دارد و اینجاست که وقتی پای حق مردم مظلوم در میان است، دیگر حرف و حدیث این و آن برایش با صدای شتران فرقی ندارد! عماد از روحانی ابتدای فیلم که در برنامه تلویزیونی رهنمود می دهد و سخنانش با تشویق حاضران روبه رو می شود به جایی می رسد که از جوانی غیر مذهبی و معمولی نصیحت می پذیرد و سخن او را بر چشم می گذارد و عمل می کند. از تماشای این فیلم بسیار خوشوقت و خوش حالم. مؤسسه اوج کاری کرد که بعد از پایان فیلم سرم را بالا گرفتیم و از سینما بیرون آمدم!

را یافته است ولی بی تردید بازخوردهای مردمی و قضاوت های حرفه ای در مورد «روز بلوا» آن را بالاتر و متفاوت تر از آثار پیشین او قرار خواهد داد. از سویی جسارت و جرأت شعبی در ورود به این موضوع که مخاطب عام از عمق جان خویش با آن ارتباط برقرار می کند قابل ستایش و از سوی دیگر طرح و بیان ظرافتمندانه برخی جزئیات که مخاطب خاص در می یابد و با آن درگیر می شود تحسین برانگیز است. نمی دانم در اکران عمومی چه بر سر فیلم خواهند آورد، اما راستش در همین اندازه هم اصلاً فکر نمی کردم روزی به چنین فیلمی اجازه ساخت بدهند و زمینه نمایش آن فراهم شود. فیلمی که هم برائت نامه برای روحانیت اصیل صادر کند و هم اعتراف صریح به آلوده شدن بخشی از روحانیت و خیانت روحانی نمایان بقیه سفید باشد که می گویند:

«چل سال جون کندم! من به خلیلا وصلم! بهت رحم نمی کنن»

شاید زیباترین صحنه فیلم آن سکانس باشد که بعد از عزم جدی عماد برای اصلاح و تغییر او را در میان مردم معمولی زیر پل نشان می دهد. روحانی فیلم که البته در این صحنه لباس روحانیت برتن ندارد از باران و سرما به زیر پل پناه می برد و در کنار کارگران و رهگذران کنار آتش می ایستد و لیوانی چای گرم می نوشد. گویی روحانیت اصیل که با دسیسه دیگران به دنیا آلوده شده پشیمان است و از راهی که در آن گم شده بازمی گردد و گم شده خود را در میان مردم می جوید. عماد در پایان فیلم تصمیم بسیار سخت و دشواری می گیرد، گویی خودسوزی زن فقیر، دلگرمی عمو جلال، متلک معنی دار هکر جوان و سکوت معنی دار استاد پیری که در بستر بیماری است همه او را به اراده ای آهنین برای

فیلم «روز بلوا» اثر درخشان بهروز شعبی را کاری جسورانه، پیشرو، متفاوت و منسجم یافتیم. پرسشگری فراتر از خط قرمزها و پاسخگو به پرسش های تلخ چهل سالگی انقلاب! «روز بلوا» فیلمی اعتراضی است، اما نه در سطح گلایه ها و حرف هایی که در میان مسافران تاکسی و اتوبوس شنیده می شود تنزل کرده و نه انتقادات و اعتراض هایی خشن و بی حساب را توهین آمیز و دریده مطرح ساخته است. فیلم جدی و متین است، حرف های بسیار عمیق و کاملاً دقیق دارد و در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با شفافیت و قاطعیت کارنامه حضور اجرایی روحانیت در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عمومی را به چالش می کشد. گرچه از آغاز برنامه ریزی ساخت فیلم به طور کامل در جریان شکل گیری داستان و روند چند مرحله بازنویسی فیلمنامه قرار داشتم - با اینکه در این سال ها در تولید فیلم های متعدد سینمایی طرف مشورت بودم اما بعد از «مارمولک» در هیچ پروژه ای این قدر مستقیم درگیر نشده ام - و از تلاش پیگیر و جدیت بهروز شعبی نازنین و تیم موفق و همراه او اطلاع داشتم با این حال وقتی نسخه نهایی کار را روی پرده دیدم احساس کردم برای بیان حرف خود به بلوغ و تکامل رسیده است.

بازی های درخشان بابک حمیدیان و داریوش ارجمند و بقیه بازیگران، موسیقی هماهنگ و دلنشین، فیلمنامه محکم و هوشمند، تدوین درست و دقیق، فیلمبرداری چشم نواز و زیبا در کنار کارگردانی هنرمندانه و حساب شده شعبی نتیجه ای قابل دفاع رقم زده است. من البته همه کارهای شعبی را دوست دارم و معتقدم هم در کارهای سینمایی و هم در مجموعه تلویزیونی اش امضای مستقل و هویت شاخص خود